

بسم الله الرحمن الرحيم

دُرُ لفظِ دَری

تالیف:

دکتر حسین داداشی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد بناب

سرشناسه	: دانشی، حسین، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: در لفظ دری / تألیف حسین داداشی.
مشخصات نشر	: تبریز: انتشارات پژوهش های دانشگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۹۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۳-۱۰۹-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: شعر فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- Iran -- History and criticism
موضوع	: شعر فارسی -- مجموعه ها
موضوع	: Persian poetry -- Collections
موضوع	: نثر فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian prose literature -- Iran -- History and criticism
موضوع	: نثر فارسی -- مجموعه ها
موضوع	: Persian prose literature -- Collections
شناسه افزوده	: انتشارات پژوهش های دانشگاه
شناسه افزوده	: University Press Publications
رده بندی کنگره	: PIR۵۴۸/۵۲۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۱/۰۰۹۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۷۰۲۲۷

عنوان کتاب : در لفظ دری

تألیف : مسین داداشی

ناشر : انتشارات پژوهش های دانشگاه

طراح روی جلد : نعیمه مناف زاده

صفحه آرایي : الهام اعرج فدائی

چاپ و صفافی : مدیران

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول/ ۱۳۹۷

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۳-۱۰۹-۳

قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان



موسسه پژوهش های دانشگاه

انتشارات پژوهش های دانشگاه

عضو رسمی انجمن ناشران دانشگاهی



انتشارات پژوهش های دانشگاه

روزنامه و رساله های علمی و ادبی

آدرس دفتر مرکزی : آذربایجان شرقی، تبریز، آبرسان، مجتمع تجاری بلور، روبروی کلاتری، داخل حیاط (ضلع شرقی)، پلاک ۳۹
 تلفن های تماس بخش مدیریت : ۰۹۱۴۶۱۴۳۳۴۶/۰۴۱۳۳۳۶۲۱۱۶
 بخش امور فنی : ۰۴۱۳۳۳۵۰۲۴۸
 دفتر اهر : شهرستان اهر - میدان معلم - روبروی دارایی - انتشارات پژوهش های دانشگاه / دفتر اهر تلفن : ۰۹۳۰۸۱۴۸۴۸۶
 مرکز بخش : آذربایجان شرقی، تبریز، خیابان امام، روبروی سه راه طالقانی، انتشارات شایسته تلفن : ۰۴۱-۳۵۵۶۱۹۶۱
www.Pajohesh-daneshgah.ir / Info@pajohesh-daneshgah.ir www.Unpb.org / Info@unpb.org

طبق قانون حمایت از حقوق ناشران و مولفان هر شخص حقیقی و حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر و مولف، نشر یا عرضه یا تکثیر یا

تجدید چاپ نماید مورد پیگیری جدی قانونی خواهد گرفت و مطابق با جرایم قوانین اسلامی برخورد خواهد شد.

مقدمه	۷
-------------	---

بخش اول : نظم و نثر

فصل اول: حماسه	۱۶
آغاز سخن	۱۶
« پادشاهی که مرث »	۱۷
پادشاهی شوشنگ	۱۸
پادشاهی جمشید	۲۰
پادشاهی ضحاک	۲۳
خوالگیری کردن ابلیس	۲۴
خواب دیدن ضحاک	۲۵
نبرد فریدون و کاوه با ضحاک	۲۷
یادداشت های فصل اول	۲۹
فصل دوم : عرفان و تصوف	۳۳
« متعلق الطیر »	۳۳
« مثنوی مولانا »	۳۶
قصه بازرگان و طوطی وی	۳۶
بیرون انداختن تاجر طوطی را از قفس و پریدن طوطی	۳۸
« مثنوی مولانا »	۳۹
ماجرای نحوی و کشتیان	۳۹
« مثنوی مولانا »	۳۹
مری کردن چینیان بارومیان در صورنگری	۳۹
فصل سوم : تربیت و تعلیم	۴۱
پیشگفتار	۴۱
بوستان سعدی حکایت ۱	۴۲

۴۲	بوستان سعدی حکایت ۲
۴۳	« بوستان سعیدی » احسان
۴۴	بوستان سعدی دوری از بخل
۴۴	« گلستان سعدی » حکایت ۱
۴۵	« گلستان سعدی » حکایت ۲
۴۵	« گلستان سعدی » حکایت ۳
۴۶	« گلستان سعدی » حکایت ۴
۴۶	« گلستان سعید » حکایت ۵
۴۶	« گلستان سعیدی » حکمت
۴۷	« گلستان سعدی » حکمت
۴۷	« گلستان سعدی » حکمت
۴۷	« گلستان سعدی » حکمت
۴۸	« کلیله و دمنه » (حکایت باخه باطل)
۴۸	« کلیله و دمنه »
۴۹	« مرزبان نامه » شگال خرسوار
۵۱	« قابوسنامه » در آداب جمع مال
۵۱	ایضاً در آداب دوست یابی
۵۲	یادداشت‌های فصل سوم
۵۳	فصل چهارم : عاشقانه ها
۵۳	« غزلیات شمس » ۱
۵۴	« غزلیات شمس » ۲
۵۴	« غزلیات سعدی »
۵۵	« غزلیات حافظ »
۵۵	« شهریار »
۵۶	« غزلیات حافظ »
۵۶	« لیلی و مجنون نظامی »
۵۸	بردن پدر مجنون وی را به کعبه

۵۹	 نامه مجنون در جواب لیلی
۶۰	 صفت خزان لیلی
۶۱	 وفات مجنون پس از خبر یافتن از مرگ لیلی
۶۱	 یادداشتهای فصل چهارم
۶۳	 فصل پنجم : گوناگون
۶۳	 « مسعود سعدی » حصار نای
۶۴	 « منوچهر دامغانی » توصیف بهار
۶۴	 « سهراب سپهری » دوست
۶۶	 « پروین اعتصامی » مزار نوشت
۶۶	 « شهریار » زانوی رمانه
۶۷	 « ملک الشعراء بهار » خطاب به محمدعلی شاه قاجار
۶۸	 « خیام نیشابوری » دم نیشی
۶۹	 گردش دوران
۶۹	 درد زندگی
۶۹	 راز ازل
۷۰	 « عبید زاکانی » منظومه طنز موش و گربه
۷۲	 یادداشتهای فصل پنجم

بخش دوم : کلیات ادبی

۷۴	 پیشگفتار
۷۵	 فصل اول : بدیع لفظی
۷۵	 بدیع لفظی
۷۵	 ۱. تسجیع
۸۱	 جناس
۸۲	 تکرار
۸۵	 فصل دوم
۸۵	 تناسب معنوی (مراعات نظیر)
۸۵	 پارادوکس

۸۶	تضاد
۸۷	ایهام
۸۹	فصل سوم : فن بیان (صور خیال)
۸۹	تشبیه
۹۰	استعاره
۹۲	کنایه
۹۳	تشخیص
۹۵	کتابنامه

www.ketab.ir

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

زندگی و حیات بشر بر بستر این کره خاکی بصورتی معما گونه، چون رودی خروشان آغاز شد. در طی قرون و گذشت اعصار به جویبارها و شاخه های رنگارنگ و گونه گونی انشعاب یافت. رفته رفته مرزهای فرهنگی و جغرافیایی خودنمایی کردند. در گذر زمان این مرزبندی ها رنگین تر و نمایان تر شد. تنوع اقلیم هایی که بشر یا در آنها گذاشت و زندگی را آغاز نمود. منجر به تعدد تمدن ها و فرهنگ ها گردید. از اینجاست که ما در تاریخ بطور مجزا از تمدن یونانی، هندی، چینی، بین النهرینی و ایرانی نام می بریم و برای هر یک از آنها ویژگیهای متمایز از دیگری قائل هستیم.

انسان که موجودی آفرینش، و ذاتاً خلاق و هنرمند هست و بود به مدد ذوق و فطرت و طبیعت خارق العاده خود شروع کرد.

اندیشیدن و ساختن و نوشتن..... در یک تقسیم بندی ساده می توانیم ماحصل این نبوغ و خلاقیت بشری را در دو طیف عمده ببینیم: الف: میراث تمدنی. ب: میراث فکری و فرهنگی.

ساخت بناها و عمارت های باشکوه با معماری های متنوع، ساخت ابزارهای مورد نیاز برای زندگی همانند ظروف هایی بسیار زیبا و منقوش و غیر منقوش، سنگ ها را غیره نمودی از خلاقیت در عرصه تمدن هستند. بجز از موارد مذکور که اغلب فیزیکی و ملموس هستند بشر، در عرصه فکر و عاطفه و احساسات روحی، تاریخ، شعر و شاخه های مختلف علوم و فنون دیگر نیز شروع به آفرینش کرد. تاریخ نوشت، اسطوره آفرید. شعر گفت.....

بخشی از میراث تمدنی - که عمدتاً مبتنی بر سنگ و فلزات بود - در گذر زمان از بالا و یاران اسبب دیده و بخشی هم در دل خاک مدفون است.

اما میراث فکری و فرهنگی ملل در مرحله ای بطور شفاهی و سینه به سینه منتقل می شد به نسل های بعدی و در دوره های بعدی نوشتن کتابت به یاری آنها آمد و البته بخش اندک از آن آثار را حفاظت

نمود. بنابراین تنها حلقه ارتباطی بین نسل های بعدی با نسل گذشته خود همین دو مقوله مهم و اساسی هستند.

آنچه که در این مقاله، در خور بحث و بررسی است و با موضوع ما متناسب و ارتباط بیشتری دارد حلقه دوم (میراث فکری و فرهنگی) است. چرا که شعر و ادبیات بخشی از فرهنگ و فکر یک ملت است. آثار مکتوب هر ملتی رشته پیوندی است که نسل امروز را به دنیای رنگارنگ نسلهای پیشین مرتبط می سازد و از همین رهگذر است که انسان امروزی از نحوه زیستن، آداب و رسوم، اسطوره ها، پهلوانان، تاریخ و کلاً گذشته، بهیت خود آگاه می گردد.

اگر شاهنامه فردوسی نبود ایرانیان از چه راهی و می توانستند از اساطیر و پهلوانان نامداران مرز و بوم کهن خود آگاه گردند.

اگر اوستا نبود مذهب رین کهن ایرانی در هاله ای از ابهام و تاریکی قرار می داشت و همینطور آثار متعدد دیگر که هر یک چون اینه ای با نسل دهنده هویت ملی و فرهنگی و اخلاقی در اعصار و قرون مختلف هستند. گفتنی است که در هر قوم و ملتی، گرایش ها، عواطف و احساسات روحی اساطیر، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی موجود بر سر است اما بدون وجود نوابی که قدرت آفرینش هنری دارند و می توانند آن موارد مذکور را به شیوه ای هنرمندانه و خلاقانه مکتوب سازند و ابدی کنند، نمی توانند در عرصه رقابت تمدن و فرهنگ ملل عرض اندام کنند، بهار مثال اگر « هومر » در یونان نبود امکان ماندگاری حماسه « ایلیا دو اسپه » خیلی ضعیف تر می شد. یا فردوسی نبود شاهنامه نمی توانست کاخی چنین برافراشته و استوار باشد.

لذا ماندگاری آثار فاخر و ادبی مرهون وجود شعرا و نواب آن مرز و بوم است. بهیچ بایستی این نواب را معماران فرهنگی و ادبی نامید اینهایی که به مدد ذوق خدادای کاخهایی بلند می سازند که « از باد و باران نیابد گزند ».

فردوسی، کاخی بلند از هویت ملی، اساطیری و پهلوانی ایرانی را اساس نهاد. مولوی بیانی با شکوه در عرصه عرفان و عشق خروشان و جوشان انسانی بنا گذاشت. حافظ عمارتی ساخت رنگارنگ و باشکوه از عرفان، عشق، آزادگی، شکوه کلام، شیرین زبانی، و اوج سخنوری. سعدی سرایی رفیع از تعلیم و

تربیت، تجربه‌ی مختلف انسانی، فصاحت و وعظ و نصیحت... ساخت، نظامی و خاقانی ایوانی از شکوه و عظمت در سخنوری، جادوگری در کلام، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی و بالاخره، عشق برپا نمودند. صائب تبریزی حرف دل مردم کوچه و بازار را به رشته نظم کشید. زبان و فرهنگی که در قهوه خانه و کوچه بازار جاری بود. در شعرا و متجلی شد و همینطور سخنوران دیگری مثل بهار، دهخدا، میرزاده عشقی... که در عرصه شعر سیاسی و اجتماعی و بیان مطالب روز شیوه‌ای نو و بدیع آفریدند.

از آنجا که موضوع این مقال ادبیات فارسی هست جا دارد با پرداختن به تعریف و قلمرو ادبیات فارسی افقی روشن پیش روی خواننده باز کنیم. تا هم راز و رمز ماندگاری آثار هنری و ادبی فاخر گره گشایی شود و هم اینکه برخی از شاخه‌های علوم و فرهنگ از قبیل تاریخ و جغرافیا و طب... از گردونه بحث، خارج گردند.

قبل از پرداختن به تعریف اصطلاحی ادبیات، لازم است در باب ریشه لغوی لفظ «ادب» که ادبیات هم به نوعی جمع آن است، بحث کوتاهی داشته باشیم.

در فرهنگ دهخدا چندین صفحه در باب «ادب» و معانی مختلف آن موجود هست. ابتدا به سرچشمه اصلی و آبشخور اصلی این کلمه اشاره کنیم. پس به معانی مختلف آن بپردازیم. این کلمه با هیأت «ادب» کلمه‌ای عربی یا بهتر بگوییم «عرب» است یعنی اصالتاً نه عربی است و نه فارسی. هرچند در متون کهن ایرانی نظیر اوستا و سنگ‌نوشته‌های هخامنشی بصورت «دیپی» موجود هست. بلکه این کلمه از سومریان اخذ شده و به همسایه‌های شرقی و شمالی (ایران و سرزمینهای بین‌النهرین) راهی افته است. طبق نوشته مرحوم دهخدا این کلمه به صورت «دوب» (DUB) در زبان سومری به معنای لوحه و خط است. این کلمه در عربی تبدیل به «ادب» شده و در ایران به شکل «دیپی» و «دپ» درآمده و در کلماتی نظیر «دبستان» «دبیرستان» «دیپاچه» استعمال شده است. معنای دیپی در ایران نیز همان معنای نزدیک به لوحه و خط است. معنایی مثل «نوشته» و «پوست» که روی آن بنویسند، دارد.